



University of Science and Quranic Knowledge
Shahin Faculty of Quranic Sciences

The Role of Variant Readings in Recitation Engineering with a Sociolinguistic Approach

Salim joharchi¹ ; Alireza Abdorrahimy² ; Behnam Bahariodlo³

1. PhD student in Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Ardabil Branch, Ardabil, Iran.

sjoharchi114@gmail.com

2. Corresponding author; Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. (Corresponding Author) Abdorrahimy.ar@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. Bahariodlo@gmail.com

Research Article



Abstract

The aim of this research is to investigate the role of different readings of the Holy Quran in expanding the meaning of verses, using a sociolinguistic approach. This approach focuses on the relationship between language and social context and can open new horizons in the analysis of the semantic layers of the Quran, especially from the perspective of different readings. The main question of the article is: How can different readings, in the form of linguistic, phonetic, and contextual structures, help in the production of meaning and deepening the significance of the verses of the Quran? The research method is descriptive-analytical. The data are selected from sample recitations of prominent contemporary reciters such as Mustafa Ismail, Abdul Basit, Shahat Anwar, and others. The analysis is based on key concepts of sociolinguistics such as word collocation, the role of linguistic and social context, and meaning-making mechanisms. The findings show that reciters, by consciously using different readings – whether famous or rare – engineer the meaning, emotion, and message of the verses with precision. In many cases, these differences not only cause phonetic differences but also create the ground for the production of meaning and a deeper experience of listening to the Quran for the audience.

Received: 2025-11-26; Received in revised form: 2025-12-17; Accepted: 2026-01-05; Published online: 2026-01-05

◆ How to cite: Abdorrahimy, A., Bahariodlo, B. and joharchi, S. (2026). The Role of Variant Readings in Recitation Engineering with a Sociolinguistic Approach. (e238315). *Quranic comentations*, (234-259), e238315 doi: [10.22034/qc.2026.562407.1232](https://doi.org/10.22034/qc.2026.562407.1232)



©The Author(s). Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences
"authors retain the copyright and full publishing rights"

tavil.quran.ac.ir

نقش اختلاف قرائات در مهندسی تلاوت با رویکرد زبان شناختی اجتماعی

سلیم جوهرچی^۱، علیرضا عبدالرحیمی^۲، بهنام بهاری اودلو^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران. sjoharchi114@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)
Abdorrahimy.ar@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران. Bahariodlo@gmail.com

پژوهشی



چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش اختلاف قرائت‌های قرآن کریم در گسترش معنای آیات، با بهره‌گیری از رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی است. این رویکرد به رابطه میان زبان و بافت اجتماعی توجه دارد و می‌تواند در تحلیل لایه‌های معنایی قرآن، به‌ویژه از منظر قرائت‌های متفاوت، افق‌های نوینی بگشاید. پرسش اصلی مقاله آن است که: اختلاف قرائت‌ها چگونه می‌توانند در قالب ساختارهای زبانی، صوتی و بافتی، به تولید معنا و تعمیق دلالت آیات قرآن کمک کنند؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها از نمونه تلاوت‌های قاریان برجسته معاصر مانند مصطفی اسماعیل، عبدالباسط، شحات انور و دیگران انتخاب شده‌اند. تحلیل‌ها بر اساس مفاهیم کلیدی زبان‌شناسی اجتماعی مانند هم‌نشینی واژگان، نقش بافت زبانی و اجتماعی، و مکانیزم‌های معناساز انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قاریان با بهره‌گیری آگاهانه از قرائات مختلف - اعم از مشهور یا شاذ - معنا، هیجان و پیام آیات را با دقت مهندسی می‌کنند. این اختلاف‌ها، در بسیاری موارد نه تنها باعث تفاوت‌های صوتی، بلکه زمینه‌ساز تولید معنا و تجربه‌ای عمیق‌تر از شنیدن قرآن برای مخاطب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اختلاف قرائت، توسعه دلالتی، زبان‌شناسی اجتماعی، مهندسی تلاوت، معناشناسی قرآن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵

♦ استناد به این مقاله: عبدالرحیمی، علیرضا، بهاری اودلو، بهنام و جوهرچی، سلیم. (۱۴۰۴). نقش اختلاف قرائات در مهندسی تلاوت با رویکرد زبان شناختی اجتماعی. (۲۳۸۳۱۵). *مطالعات تائوایی قرآن*، (۲۳۴-۲۵۹)، ۲۳۸۳۱۵
doi: 10.22034/qc.2026.562407.1232

۱. طرح مسئله

اولین علم از علوم اسلامی مرتبط با قرآن کریم، علم قرائت است که حتی پیشتر از علم تفسیر در میان مسلمانان ظهور و توسعه یافت. علم قرائت به نحوه صحیح ادای الفاظ قرآن کریم اختصاص دارد، در حالی که علم تفسیر به تحلیل و تبیین مفاهیم و معانی آیات الهی می‌پردازد. (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۰) بررسی اختلاف قرائات، نقد و یا ترجیح یک قرائت بر قرائات دیگر، یکی از موضوعاتی است که جایگاهی ویژه نزد مفسرین و فقیهان جهان اسلام دارد. بنابر گزارش‌های تاریخی، قرآن در سیاقی واحد توسط پیامبر ﷺ بر مردم اقراء گردیده، ولی به مرور زمان، اختلافاتی در بازخوانی متن قرآن پدیدآمده و با مرور زمان دامنه این اختلافات بیشتر شده است. نقش اختلاف قرائت از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است که پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا بر اساس الگوی زبان‌شناسی اجتماعی به گردآوری داده‌ها به روش توصیفی - تحلیلی، نقش اختلاف قرائت از جهت ساختاری، مفهومی، خصائص الحروف، علم صرف و نحو (معنا و مبنا)، علم نحو (عناصر جمله)، علم النفس (روان‌شناسی) و آواشناسی مهندسی تلاوت بخشی از آیات قرآن کریم را بررسی نماید. شایان ذکر است که بهره‌جستن از دانش «زبان‌شناسی اجتماعی» در کنار بررسی تغییرات معنایی از منظر معناشناسی برای بسط و گسترش دامنه معانی آیات، از نقاط قوت پژوهش حاضر به شمار می‌آید و کمک می‌کند تا پاسخی درخور به دو پرسش زیر داده شود: الف؛ ریشه چرخش قراء برجسته از روایات معتبر قرائت، به برخی روایات شاذ در برخی از تلاوت‌ها چیست؟ ب؛ خروج قراء مشهور از قرائات مشهور به شاذ تا چه اندازه بر اساس مؤلفه‌های معناشناسی قابل توجیه است؟

پیشینه پژوهش درباره «مهندسی تلاوت» با تأکید بر نقش اختلاف قرائات در توسعه دلالتی آیات قرآن کریم، نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش مستقلی که این موضوع را با رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی بررسی کند، انجام نشده است. هرچند در حوزه‌های مرتبط همچون معناشناسی قرآن، تحلیل اختلاف قرائات، مطالعات صوتی تلاوت و نیز کاربری زبان‌شناسی اجتماعی در تحلیل متون دینی، تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته است که می‌تواند پشتوانه نظری این پژوهش به شمار آید. نخست، در حوزه کاربری زبان‌شناسی اجتماعی در مطالعات قرآنی، پژوهش زینلی بهزادان (۱۴۰۰) با عنوان «معناشناسی مثنائی در قرآن کریم با رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی» نشان می‌دهد که تحلیل معنا در قرآن بدون توجه به بافت زبانی و اجتماعی دقیق نیست. نویسندگان در این تحقیق، واژه «مثنائی» را بر اساس بافت موقعیتی و زبانی بررسی کرده و به معنای «آیاتی با ساختار

مقارن و مضمون حمد و ثنای الهی» رسیده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که زبان‌شناسی اجتماعی قابلیت توضیح لایه‌های دلالتی قرآن را داراست.

در حوزه مطالعات اجتماعی و تحلیل گفتمان، پژوهش بیچرانلو و همکاران (۱۳۹۶) درباره «بازنمایی زن در سریال شهرزاد» با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی بارت و زبان‌شناسی اجتماعی، نشان داد که ساخت‌های زبانی و انتخاب صورت‌های گفتاری، در بازنمایی نقش‌های اجتماعی تأثیر مستقیم دارند. هرچند این پژوهش قرآنی نیست، اما از نظر روش‌شناسی، نشان می‌دهد که تحلیل اجتماعی زبان چگونه می‌تواند معانی نهفته در یک متن یا گفتار را آشکار کند.

علاوه بر این، در زمینه اختلاف قرائات و نقش آن در گسترش معنایی، پژوهش‌های متعددی - هرچند نه با رویکرد اجتماعی - انجام شده است. ابن جزری (۱۹۹۸) در اثر مهم خود النشر فی القراءات العشر نشان داده است که اختلاف در حرکات، اماله، ادای حروف و تفاوت‌های نحوی، پیام آیات را تغییر داده و لایه‌های دلالتی متفاوتی ایجاد می‌کند. همین‌طور ابوزهرة (۱۹۸۰) در القرآن و علومه تأکید می‌کند که بسیاری از اختلافات قرائت، ظرفیت معنایی آیات را افزایش داده و بخش مهمی از میراث معناشناختی قرآن است.

در مطالعات معاصر درباره صوت و تلاوت، پژوهش‌های نلسون (۱۹۸۵)، شلّبی (۲۰۰۲) و شحاته (۲۰۱۳) نشان داده‌اند که قاریان بزرگ مانند مصطفی اسماعیل و عبدالباسط، در مواردی عمده از قرائات مختلف (یا اشکال ترجیحی ادای حروف) برای تقویت بار عاطفی یا انتقال معنایی خاص بهره برده‌اند. این پژوهش‌ها ثابت می‌کنند که انتخاب قرائت در تلاوت، امری کاملاً هدفمند و مبتنی بر «مهندسی معنایی» است.

در حوزه مطالعات معناشناختی و بستری قرآن، پژوهش‌های آیزوتسو (۱۹۸۴) و بدوی (۱۹۹۲) نشان داده‌اند که معنا در قرآن تنها از طریق متن قابل فهم نیست، بلکه در نسبت با بافت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. این نکته از نظر مبانی نظری، اهمیت بررسی اختلاف قرائات در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی را دوچندان می‌کند. همچنین، در ایران پژوهش‌هایی همچون امیری و خسروی (۱۳۹۷) و پیرمرادی (۱۳۹۸)، اختلاف قرائات را سازوکارهایی معناگستر معرفی کرده‌اند. سجادی و قاسمی (۱۴۰۰) نیز با تمرکز بر اماله در تلاوت قاریان، نشان داده‌اند که قاریان با تغییر در نحوه ادای حروف، پیام ارزشی آیات را تقویت می‌کنند. در مجموع، مرور پیشینه پژوهش حاکی از آن است که اگرچه درباره اختلاف قرائات، معناشناسی قرآن و تحلیل صوتی تلاوت پژوهش‌های متعددی انجام شده، اما

ترکیب این مباحث با نظریه زبان‌شناسی اجتماعی و تبیین نقش اختلاف قرائات در مهندسی تلاوت خلأی پژوهشی دارد. بنابراین، پژوهش حاضر با رویکرد بین‌رشته‌ای، در پی آن است که نشان دهد چگونه قاریان از اختلاف قرائات، اعم از مشهور یا شاذ، برای مهندسی دلالت، شخصیت‌پردازی صوتی و گسترش معنا بهره می‌گیرند.

روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر رویکرد توصیفی، تحلیلی و با بهره‌گیری از چارچوب نظری زبان‌شناسی اجتماعی تنظیم شده است. داده‌های پژوهش از میان تلاوت‌های قاریان برجسته جهان اسلام، از جمله شیخ مصطفی اسماعیل، عبدالباسط محمد عبدالصمد، شحات محمد انور، کامل یوسف، محمد الیثی و محمد صدیق منشاوی، استخراج شده‌اند. این قاریان به دلیل جایگاه مرجعیت قرائی و نقش اثرگذار آنان در تحول سبک‌های تلاوت، قابلیت تحلیل آوایی و معنایی گسترده‌تری دارند.

فرایند انتخاب داده‌ها بر اساس معیارهای دقیق و قابل‌سنجش زیر انجام گرفت: الف؛ مرجعیت و اعتبار قرائی قاریان؛ تنها قاریانی انتخاب شدند که در منابع معتبر علوم تلاوت به عنوان چهره‌های معیار و اثرگذار شناخته می‌شوند و سبک آنان در جهان اسلام مرجعیت پژوهشی دارد. ب؛ وجود اختلاف قرائت در تلاوت؛ نمونه‌ها صرفاً از میان تلاوت‌هایی برگزیده شدند که در آنها خروج از قرائت مشهور (حفص از عاصم) و استفاده از قرائات دیگر، اعم از ورش، حمزه، کسائی، یا موارد شاذ، به طور مشخص مشاهده می‌شود. ج؛ اثرگذاری اختلاف بر معنا؛ تنها مواردی وارد تحلیل شدند که اختلاف قرائت در آنها به تغییر، تقویت یا گسترش معنایی، بلاغی یا آوایی آیه منجر شده باشد. نمونه‌هایی که اختلاف قرائت در آنها فاقد اثر دلالتی بود، کنار گذاشته شدند. د؛ کیفیت صوتی و قابلیت تحلیل آوایی؛ تلاوت‌هایی انتخاب شدند که نسخه صوتی معتبر و باکیفیت داشته باشند تا امکان بررسی دقیق مؤلفه‌هایی مانند اماله، تقلیل، تغییر مقام، کشش، شدت و دیگر نشانه‌های صوتی فراهم باشد. ه؛ تنوع مدرسه و سبک قرائی؛ برای پرهیز از یک‌سویه‌گی، قاریان از سبک‌های مختلف (مصری کلاسیک، کوفه محور، مدینه محور و سبک‌های جدید) انتخاب شدند تا تحلیل اجتماعی، زبانی داده‌ها از تنوع کافی برخوردار باشد. و؛ قابلیت استناد پژوهشی؛ تنها تلاوت‌هایی وارد پژوهش شد که نسخه معتبر آنها در آرشیوهای رسمی و اسناد صوتی استاندارد موجود باشد.

این مجموعه معیارها سبب شد داده‌های پژوهش از انسجام، قابلیت تحلیل و پشتوانه پژوهشی کافی برخوردار باشند و انتخاب آن‌ها بر اساس یک فرایند روشمند و نه سلیقه‌ای صورت گیرد. تحلیل تلاوت‌ها بر اساس مفاهیم کلیدی

زبان‌شناسی اجتماعی، از جمله هم‌نشینی معنایی واژگان، بافت زبانی و موقعیتی، نقش زیرگروه‌های اجتماعی، گسست معنایی و تحول دلالت‌ها انجام شده است. در کنار این عناصر، ساختارهای بلاغی و نحوی قرآن نیز برای بررسی نحوه «مهندسی معنا» در تلاوت قاریان به کار گرفته شده است.

برای تطبیق نظریه با شواهد قرآنی، در هر نمونه این مراحل دنبال شده است: الف؛ ثبت آیه و نوع قرائت مورد استفاده قاری. ب؛ شناسایی مؤلفه صوتی، نحوی یا بلاغی دخیل در اختلاف. ج؛ تحلیل اثر آن بر معنا، پیام آیه یا القای روان‌شناختی و شنیداری به مخاطب. این رویکرد امکان می‌دهد تا روشن شود قاریان چگونه با انتخاب آگاهانه قرائات و تکنیک‌های آوایی، معنا را بازسازی، تقویت یا گسترش می‌دهند و چگونه اختلاف قرائت، نقشی فعال در شخصیت‌پردازی صوتی و تعمیق تجربه معنایی شنونده پیدا می‌کند.

۲. زبان‌شناسی اجتماعی

زبان‌شناسی اجتماعی دانشی میان‌رشته‌ای است که به بررسی پیوند میان زبان و جامعه می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه عوامل اجتماعی، مانند طبقه اجتماعی، فرهنگ، قدرت، جنسیت و سن، ساختار و معنای زبان را شکل می‌دهند (وارداف و فولر، ۲۰۲۱: ۴). برخلاف رویکردهای ساخت‌گرایانه‌ای که زبان را نظامی مستقل از زمینه‌های اجتماعی می‌دانستند، زبان‌شناسی اجتماعی بر این اصل تأکید می‌کند که زبان در بستر روابط و تعاملات اجتماعی معنی می‌یابد (تردگیل، ۲۰۰۰: ۲۱).

از منظر این رویکرد، تحول در ساختار یا معنای زبانی در ارتباط مستقیم با تحول اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی جامعه است. لابوف، بنیان‌گذار زبان‌شناسی اجتماعی نوین، بیان می‌کند که تغییرات زبانی بازتاب ساختارهای اجتماعی‌اند و در عین حال می‌توانند آن ساختارها را بازتولید یا دگرگون کنند (لابوف، ۱۹۹۴: ۱۱-۱۲). در همین راستا، آنتونی آرلاتو نیز تغییرات معنایی در زبان را ناشی از سه سازوکار عمده می‌داند: «هم‌نشینی معنایی»، «جدایی صورت‌ها» و «نقش زیرگروه‌های اجتماعی» در جامعه زبانی (آرلاتو، ۱۹۸۱: ۱۹۵-۱۹۶).

در سازوکار هم‌نشینی معنایی، معناهاى تازه از قرار گرفتن واژگان در کنار یکدیگر در یک بافت زبانی یا اجتماعی پدید می‌آیند. قرارگیری یک واژه در مجاورت کلمات خاص، می‌تواند تداومی تازه‌ای ایجاد کند و با تغییر بافت، معنای آن نیز دگرگون شود؛ موضوعی که در پژوهش‌های معاصر معناشناسی شناختی نیز تأکید شده است (کرفت و کرووز، ۲۰۰۴: ۲۴۰).

در مقابل، سازوکار جدایی صورت‌ها زمانی رخ می‌دهد که پیوند معنایی میان

واژه‌های هم‌ریشه تضعیف شده و مشتقات زبانی از محدودیت معنای ریشه آزاد می‌شوند و گستره معنایی تازه‌ای می‌یابند. این فرایند می‌تواند تحت تأثیر تحولات اجتماعی، تغییر شیوه‌های آموزشی یا نفوذ گروه‌های خاص در گفتمان عمومی زبان شکل گیرد (آرلاتو، ۱۹۸۱: ۱۹۷).

بر اساس این چارچوب نظری، پژوهش حاضر با تأکید ویژه بر مفهوم هم‌نشینی معنایی می‌کوشد نشان دهد که چگونه اختلاف قرائات قرآن می‌تواند منجر به تولید معنای جدید شود. قاریان برجسته قرآن، با بهره‌گیری از تفاوت‌های آوایی و ساختاری قرائات و قرار دادن آنها در بافت‌های معنایی مختلف آیات، زمینه زایش معنایی تازه‌ای را فراهم می‌کنند؛ زایشی که می‌تواند در تفسیر آیات و عمق بخشی به تجربه حسی و معنوی شنونده اثرگذار باشد. از این رو، زبان‌شناسی اجتماعی ابزاری مؤثر در تحلیل ارتباط میان ساختارهای زبانی قرآن و شرایط اجتماعی-تاریخی تلاوت آن به شمار می‌رود (فیushman، ۱۹۷۲: ۴۵).

اکنون، برای روشن‌تر شدن پیوند میان اختلاف قرائت‌ها و مؤلفه‌های نظری زبان‌شناسی اجتماعی، جدول زیر ارائه می‌شود که تحلیل نمونه‌های قرائتی برجسته را در ارتباط با مؤلفه‌های نظری و دلالت‌های معنایی نشان می‌دهد:

آیه / نمونه	نوع قرائت	تحلیل زبانی / صوتی	مؤلفه نظری زبان‌شناسی اجتماعی	دلالت معنایی / پیام منتقل شده
نمل: ۳۹ - قَالَ عَفْرِيتٌ...	تکرار حفص + ورش	تکرار «أنا آتیک به» با تغییر مقام (روست)	هم‌نشینی صوتی، بافت نمایشی	القای غرور عفریت مقابل علم فروتن «الذی عنده علم من الکتاب»
یوسف: ۲۳ - هیت لک	هیت لک / هیت لک	تکرار بالحن‌های مختلف + تنوع مقامات (صبا، نهانند)	بافت هیجانی / تکرار تأکیدی	بازآفرینی فضای وسوسه، القای اضطراب و مقاومت یوسف
صافات: ۱۳۰ - آل یاسین	آل یاسین (ورش) / آل یاسین (حفص)	تغییر قرائت + تکرار دوگانه برای تأکید	بافت تاریخی / اعتقادی / زیرگروه اجتماعی	برجسته‌سازی جایگاه اهل بیت، تأیید قرائت موردنظر شیعیان
نازعات: ۲۴ - أنا ربکم الأعلى	اماله «أعلى» (حمزه، کسائی)	شکست آوایی و لحنی «أعلى»	تمسخر صوتی / گسست معنایی	تقلیل منزلت فرعون، تحقیر ادعای او

آیه / نمونه	نوع قرائت	تحلیل زبانی / صوتی	مؤلفه نظری زبان‌شناسی اجتماعی	دلالت معنایی / پیام منتقل شده
توبه: ۴۰ – کلمه الذین کفروا السفلی...	صوتی	تضعیف صوتی السفلی + اوج صوتی العلیا	تقابل معنایی / تقابل آوایی	تحقیر گفتمان کفار در برابر عظمت کلام الهی
کهف: ۴۴ – الولایة لله الحق	الولایة با فتح واو / کسر واو	تفاوت نحوی – معنایی در واژه	معنای متغیر / تضمین نحوی	تفاوت میان «نصرت» و «سلطه»، تقویت معنا در فضای قیامت
کهف: ۴۷ – یوم تُسبِرُ الجبال	تُسبِرُ / تُسبِر	تغییر صیغه فاعلی (ما / مجهول)	تغییر نقش فاعل / تضمین بلاغی	تأکید بر مباشرت الهی در برپایی قیامت در قرائت تُسبِر
کهف: ۵۱ – ما کنت متخذ المضلین عضداً	کنت / کنت	تغییر در فاعل – اول شخص خداوند / دوم شخص پیامبر	جابه‌جایی کانون خطاب	تأکید بر پاکی خداوند یا پیامبر از استمداد باطل
آل عمران: ۵۹ – عیسی / آدم	سبک خوانی عیسی، تأکید بر آدم	تقلیل صوتی – تعادل بلاغی	هم‌ارزی خلقت – آسان‌نمایی ولادت عیسی	خلقت بدون پدر را طبیعی نشان می‌دهد (تثبیت پیام آیه)
مریم: ۲۵ – تُساقط علیک رطباً	تُساقط	فعل مفرد با معنای کثرت	تکثیر معنایی / استمرار فعل	القای افتادن پی‌درپی خرماها؛ القای لطف و آرامش الهی
ق: ۴۴ – تشقُّق الأرض عنهم	تشقُّق، تأکید قاف، شدت آوایی	صوتی – تصویری – هیجانی	شدت رویداد – فضاسازی قیامتی	تجسم قیامت به شکل تصویری و مهیب
مطففین: ۲۴ – تعرف فی وجوههم نضرة النعیم	تعرف – خطاب به پیامبر	فعل شناخت با بار معنوی	تعظیم مخاطب / بافت اعتقادی	تأکید بر شهود پیامبر در بهشت – مقام شفاعت

۳. بررسی علل پیدایش قرائات

پدیده اختلاف قرائات در قرآن کریم، یکی از موضوعات بنیادین و مورد توجه در حوزه علوم قرآنی است که قرآن‌پژوهان دلایل گوناگونی برای شکل‌گیری آن مطرح کرده‌اند. این دلایل را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی نمود:

۳-۱. تفاوت در لهجه‌های قبایل عربی

یکی از مهم‌ترین عوامل در پیدایش قرائات مختلف، اختلاف در لهجه‌های اقوام و قبایل عرب، به‌ویژه قبایل ساکن مکه، مدینه و نواحی پیرامونی آن‌ها است. این تفاوت‌های لهجه‌ای باعث شده است که برخی کلمات و حروف با ادای متفاوتی خوانده شوند. برای مثال، تفاوت در تلفظ همزه، اماله برخی حروف، فتح و کسر، و حتی تبدیل برخی حروف به یکدیگر، از مصادیق بارز این مسئله به شمار می‌رود (عمر، ۱۴۱۲: ۱/۱۴۲). این تنوع زبانی طبیعی، در قرائات ثبت و ماندگار شده و به بخشی از میراث شفاهی قرآنی تبدیل گشته است.

۳-۲. اختلاف در نقل از صحابه

عامل مهم دیگر، تفاوت در نقل قرائت قرآن از سوی صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله است. صحابه به‌عنوان نخستین ناقلان قرآن، نقش مهمی در انتقال قرائات ایفا کردند، اما در برخی موارد، تفاوت‌هایی در بازخوانی و نقل آنان دیده می‌شود که منشأ شکل‌گیری قرائات مختلف شده است (فضلی، ۱۴۲۸: ۹۴). بسیاری از قاریان مشهور، به‌ویژه قراء سبعة و عشره، سلسله روایت‌های خود را به گروهی از صحابه نسبت می‌دهند که این نسبت‌دهی، نشان‌دهنده نقش مستقیم صحابه در شکل‌گیری قرائت‌های مختلف قرآن است. (سیوطی، ۱۳۶۳: ۱/۳۱۳)

۳-۲. روش نگارش قرآن در زمان پیامبر اکرم ﷺ

نگارش قرآن در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری اختلاف قرائات بوده است. اگرچه کتابت قرآن در آن دوران با دقت صورت می‌گرفت، اما ویژگی‌های خط عربی اولیه، به‌ویژه خط کوفی، موجب بروز ابهاماتی در خوانش برخی کلمات شد. این خط بسیار ساده، فاقد نقطه‌گذاری و علامت‌گذاری‌های اعرابی بود و در موارد متعددی، واژگان و حروف مشابه به صورت یکسان نگاشته می‌شدند. برای نمونه، واژه‌ای چون «نزل» می‌توانست به شکل‌های متعددی چون «يَنْزِلُ»، «نُزِّلُ» یا «تَنْزِلُ» خوانده شود. همچنین کلماتی مانند «مالک» بدون الف نوشته می‌شد و به صورت «ملک» قابل قرائت بود (معرفت، ۱۳۸۶: ۲/۱۷۷-۲۲۴؛ فضلی، ۱۴۲۸: ۱۲۵-۱۲۶)

با وجود این، باید توجه داشت که اختلاف قرائات را نمی‌توان صرفاً به شیوه نگارش قرآن محدود کرد. عامل مهم‌تر، اعتماد قاریان به حافظه و حفظ شفاهی قرآن بوده است؛ چنان‌که ابن جزری تصریح می‌کند: «مصحف از نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری خالی ماندند تا امکان پذیرش قرائات صحیح متعددی باقی بماند؛ زیرا قرائت قرآن

بر حفظ مبتنی بود، نه صرفاً بر رسم الخط» (ابن الجریزی، ۱۳۹۱: ۲۳/۱)

در مجموع، مجموعه‌ای از عوامل زبانی، روایی و نوشتاری دست به دست هم داده‌اند تا تنوعی از قرائات معتبر و گوناگون در میراث قرآنی پدید آید؛ قرائاتی که هریک در ظرف تاریخی و اجتماعی خود، دارای کارکرد معنایی خاصی بوده‌اند و امروزه نیز می‌توانند در بازتولید معنا و دلالت آیات الهی نقش آفرینی کنند.

۴. سیر تاریخی قرائات

اختلاف در نحوه خواندن قرآن از دوران زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و پس از وفات ایشان به تدریج وسعت یافت. این روند در نهایت به پایه‌گذاری دانشی انجامید که به علم قرائت معروف شد؛ دانشی که به بررسی شیوه‌های معتبر تلاوت قرآن می‌پردازد و این شیوه‌ها از طریق نقل‌های مستند و قابل اعتماد به ما رسیده‌اند و پیروی از آن‌ها واجب تلقی می‌شود. (موسوی بلده، ۱۳۷۱: ۱۲) سیر کلی این جریان و مراحل اساسی آن را می‌توان به اختصار چنین بیان کرد:

۴-۱. دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله؛ مرحله پیدایش قرائت

در این مرحله، حضرت محمد صلی الله علیه و آله با توجه به رسالت اولیه خویش، قرآن کریم را که از سوی خداوند متعال توسط فرشته وحی (جبرئیل) دریافت می‌کرد، برای مردم تلاوت می‌نمود. ایشان آموزه‌های الهی را به مردم آموزش داده و راه هدایت را با استفاده از آیات الهی برای آنان هموار می‌ساخت. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «او کسی است که در میان جمعی از درس‌نخوانده‌ها، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات الهی را بر آنان بخواند، جانشان را پاکیزه سازد و کتاب و حکمت را به ایشان بیاموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه/ ۲) و نیز آمده است: «و قرآنی را جزء جزء نازل کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را تدریجاً فرود آوریم» (اسراء/ ۱۰۶)

در همین بازه زمانی، شماری از اصحاب با توجه به شرایط و ظرفیت‌های فردی خود، به شکل ویژه‌ای به آموختن قرآن پرداخته و در مرتبه‌ای برتر قرار گرفتند. از جمله چهره‌های برجسته‌ای که در زمینه قرائت قرآن موقعیت ممتازی داشتند، می‌توان به امام علی علیه‌السلام، ابی بن کعب انصاری (وفات: ۲۰ ق) و عبدالله بن مسعود (وفات: ۲۳ ق) اشاره کرد.

۴-۲. دوران پایه‌گذاری دانش قرائات

در این دوره، با اعزام قاریانی از سوی خلیفه سوم به مناطق مختلف اسلامی، شمار زیادی از مردم، تلاوت قرآن را از این افراد فرا گرفتند. این قاریان نیز به نوبه

خود شاگردانی تربیت کردند که تنها تعداد محدودی از آنان توانستند به شهرت و جایگاه علمی برجسته‌ای دست یابند. این مرحله که از اواخر قرن نخست هجری آغاز شده، تا اوایل قرن سوم ادامه می‌یابد. ویژگی برجسته این عصر، به‌ویژه در قرن دوم هجری، اهتمام گسترده به تعلیم و قرائت قرآن و الگو شدن این قاریان برای مردم بوده است. در میان تابعین و شاگردان آنان که در سده‌های نخستین اسلامی زندگی می‌کردند، ده نفر به عنوان چهره‌های شاخص و متخصص در علم قرائت شناخته شده‌اند. از این میان، هفت تن از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردارند که به «قراء سبعة» شهرت یافته‌اند. این افراد عبارت‌اند از: نافع بن عبد الرحمن، عبدالله بن کثیر، ابوعمر بن علاء، عبدالله بن عامر، عاصم بن ابی النجود، حمزه بن حبیب، و علی کسائی.

۵. قراء سبعة و راویان آن‌ها

۱-۵. نافع

نافع بن ابی نعیم مدنی، با کنیه‌ی «ابو رویم اللیثی»، از قراء مشهور اسلامی به‌شمار می‌رود که اصالتاً اهل اصفهان بوده، اما در شهر مدینه اقامت داشته و در همان‌جا نیز درگذشته است. (معرفت، ۱۳۷۱: ۲۲۳) درباره تاریخ وفات او اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی سال ۱۵۹ هجری و برخی دیگر ۱۶۹ یا حتی ۱۷۶ هجری را ذکر کرده‌اند (معرفت، ۱۳۸۶: ۱۷۳) ابن ندیم در الفهرست، صراحتاً به اصالت اصفهانی نافع اشاره کرده است، و در ریحانة الأدب نیز آمده که وی دارای چهره‌ای بسیار تیره بوده و در علم قرائت، پیشوای مردم مدینه به‌شمار می‌رفته است. روش قرائت او در میان مردم مدینه مورد وثوق و پذیرش گسترده‌ای بوده و او آن را از یزید بن قعقاع - یکی از قراء ده‌گانه - فراگرفته بود. ابن جزری نیز نقل کرده است که نافع، علم قرائت را از جمعی حدود هفتاد تن از استادان فراگرفته بود (همان، ۱۷۳) از برجسته‌ترین راویان قرائت نافع می‌توان به ورش و قالون اشاره کرد. امروزه این قرائت، به‌ویژه در کشورهای شمال آفریقا و مغرب عربی، به صورت گسترده‌ای رایج است.

۲-۵. ابن کثیر

عبدالله بن کثیر مکی، از قراء برجسته قرآن در سده دوم هجری، به لحاظ تاریخی شخصیتی با اصالت ایرانی محسوب می‌شود. بر اساس نقل ابن ندیم در الفهرست، وی از نسل ایرانیانی بود که در زمان پادشاهی انوشیروان ساسانی، به منظور مقابله با سلطه حبشیان بر یمن، به آن سرزمین اعزام شدند تا حکومت را

به سیف بن ذی یزن. که برای دادخواهی به دربار ایران پناه برده بود. بازگردانند. این پیشینه تاریخی، نشان دهنده پیوند فرهنگی و سیاسی ایرانیان با تحولات اجتماعی دوران صدر اسلام است. ابن کثیر که در مکه می زیست، فردی فصیح، خوش بیان و دارای تأثیر فراوان در تکوین سنت قرائت قرآن بود. وی توانست شماری از صحابه برجسته، از جمله عبدالله بن زبیر و انس بن مالک را ملاقات کند. (همان: ۱۷۳) طبق روایت محمد علی مدرس تبریزی، ابن کثیر قرائت قرآن را از مجاهد، از ابن عباس، و در نهایت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرا گرفته بود؛ بنابراین، قرائت او نیز به طور غیرمستقیم با سنت قرائت علوی پیوند می یابد. تاریخ وفات ابن کثیر را سال ۱۲۰ هجری ذکر کرده اند. از میان شاگردان و راویان برجسته قرائت او، می توان به بزی و قبل اشاره کرد که نقش مهمی در گسترش و تثبیت قرائت او در میان مسلمانان داشتند (همان: ۱۷۳)

۵-۳. عاصم بن ابی النجود کوفی

یکی از برجسته ترین قاریان قرآن در قرون نخستین اسلامی، عاصم بن ابی النجود کوفی است که در کوفه زندگی می کرد و همان جا نیز درگذشت. وی از جمله موالی به شمار می رفت و در علم قرائت، از شاگردان برجسته ابو عبد الرحمن سلمی بود؛ فردی که خود از یاران نزدیک امیرالمؤمنین علی علیه السلام به شمار می رفت. از این رو، می توان عاصم را راوی غیرمستقیم قرائت امیرالمؤمنین علیه السلام دانست. (همان: ۱۷۳) قرائت عاصم از جایگاه ویژه ای در میان قرائات مختلف برخوردار است و بسیاری از دانشمندان آن را صحیح ترین و معتبرترین شیوه تلاوت قرآن می دانند. در کتاب ریحانة الأدب آمده است که نسخه های اصلی قرآن، که معمولاً مبنای نگارش متون قرآنی بوده اند، مطابق با قرائت عاصم نگاشته شده اند، و دیگر قرائات همراه با نام قاری مربوطه با قلمی سرخ رنگ در حواشی درج می شده اند (مدرس تبریزی، ۱۳۹۵: ۴/۴۲۶) از برجسته ترین راویان قرائت او می توان به حفص و ابوبکر عیاش اشاره کرد. امروزه قرائت عاصم به روایت حفص رایج ترین قرائت در کشورهای اسلامی است. همچنین منابع متعددی از جمله مجالس المؤمنین و اثر علامه سید حسن صدر به تشیع عاصم تصریح کرده اند و او را از پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام دانسته اند. (صدر، ۱۳۷۵: ۳۱۶-۳۲۲)

۵-۴. حمزه بن حبیب زیات کوفی

حمزه بن حبیب، که اصالتاً ایرانی است، زمان صحابه را درک کرده و از اهل تشیع بود.

مانند عاصم، او نیز قرآن را بر امام صادق علیه السلام قرائت کرده است. شیخ طوسی نیز حمزه را یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام معرفی کرده است. از میان راویان مشهور قرائت حمزه، خلف و خلاد شناخته می‌شوند. (معرفت، ۱۳۸۶: ۱۷۳)

۵-۵. ابوالحسن کسائی کوفی

ابوالحسن علی بن حمزه بن عبدالله بن بهمن بن فیروز، مشهور به کسائی کوفی، از برجسته‌ترین قراء و نحویان کوفه در قرن دوم هجری به شمار می‌آید. بنابر گزارش الفهرست ابن ندیم، او دارای ریشه‌ای ایرانی بود و نام پدرش به وضوح به تبار ایرانی‌اش اشاره دارد کسائی علاوه بر جایگاه ممتاز در علم قرائت قرآن، در حوزه ادبیات عرب و نحو نیز از چهره‌های شاخص و تأثیرگذار بود. وی پس از حمزه کوفی، سرپرستی قراء را در کوفه بر عهده گرفت و دانش قرائت را چهار مرتبه از حمزه آموخت که نشان‌دهنده عمق و دقت او در این علم است. (معرفت، ۱۳۷۱: ۲۲۵) در منابع تاریخی آمده است که کسائی معلم فرزندان هارون الرشید، خلیفه عباسی، بود و در یکی از سفرهای رسمی هارون به خراسان، وی را همراهی می‌کرد. وفات او در همان سفر، در شهر ری (یا به روایتی در طوس) رخ داد و هم‌زمان، محمد بن حسن شیبانی، فقیه و قاضی القضاة مشهور، نیز در همان مکان و روز درگذشت. نقل است که هارون الرشید در واکنش به این رخداد گفت: «امروز، فقه و زبان عربی را در ری دفن کردیم». از راویان نام‌آور قرائت کسائی می‌توان به حفص دوری و ابوالحارث اشاره کرد. همچنین، در برخی منابع شیعی، به تشیع کسائی نیز تصریح شده است که در کنار ارتباط علمی او با بزرگان کوفه، نشان‌دهنده گرایش مذهبی خاص او می‌باشد.

۵-۶. ابو عمرو بن علاء بصری

ابو عمرو زبان بن علاء بن عمار بن عبدالله بصری مازنی (۷۰ تا ۱۵۴ هجری قمری)، از بزرگان قرائت و دارای اصالت ایرانی بود. در میان قراء هفت‌گانه، او از نظر تعداد استادان و مشایخ قرائت، جایگاهی بی‌نظیر دارد. وی در شهرهایی چون مکه، مدینه، بصره و کوفه نزد استادان متعددی به تلاوت و آموختن قرائت قرآن پرداخت. سید حسن صدر، او را از جمله شیعیان می‌داند. از راویان معروف قرائت او می‌توان به دوری و سوسی اشاره کرد. (معرفت، ۱۳۸۶: ۱۷۴)

۵-۷. ابن عامر دمشقی

ابن عامر، که در دوران خلافت عمر بن عبدالعزیز و نیز در دوره‌های پیش و پس از آن زندگی می‌کرد، سمت امامت مسجد جامع دمشق (جامع اموی) و قضاوت

آن شهر را بر عهده داشت و از جمله قراء هفت‌گانه‌ای است که عمر طولانی‌تری نسبت به دیگران داشته‌اند. او در سال ۱۱۸ هجری قمری درگذشت. با توجه به این‌که خود زمان تولدش را سال ۸ هجری قمری ذکر کرده، در هنگام وفات ۱۱۰ سال داشته است. از جمله راویان برجسته قرائت او می‌توان به هشام و ابن ذکوان اشاره کرد که هر دو از یحیی، قرائت ابن عامر را با تنها یک واسطه نقل کرده‌اند. (همان: ۱۷۴)

۶. اختلاف قرائات با تغییر معنایی

با وجود اینکه رسم الخط تمامی چاپخانه‌های قرآن کریم در کشورهای اسلامی نسخ خود را بر اساس قرائت عاصم به روایت حفص نشر می‌دهند و عمده قراء نیز بر اساس همین قرائت و روایت، به تلاوت قرآن می‌پردازند، لکن در تلاوت برخی مشاهیر همچون مصطفی اسماعیل، کامل یوسف، عبدالباسط محمد عبدالصمد، محمد صدیق منشاوی، شحات محمد انور، محمد الیثی و دیگران مواردی از خروج ایشان از قرائت مرسوم به قرائات دیگر مشاهده می‌شود که اصطلاحاً اختلاف قرائت نامیده می‌شود. با توجه به اینکه این اختلاف خوانی‌ها امری فراگیر در کل سور قرآن کریم نیست، بنظر می‌آید این امر صرفاً برای تنوع آفرینی و نشاط در تلاوت نبوده و ریشه در تلاش این قاریان در القاء مفاهیم جدیدتر و بیشتر به مستمع داشته باشد که لازم است در نمونه‌های معروف بررسی شود:

نمونه‌ی جالب، تلاوت شیخ مصطفی اسماعیل است در سوره‌ی نمل که وقتی حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام می‌فرماید که (اَیْکُمْ یَاتِنِی بِعَرِشِهَا)، اینجا [قَالَ عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنِّ]؛ این [اختلاف قرائت] خودش را نشان می‌دهد. ضمناً جن تحت فرمان حضرت سلیمان بودند، اما دلشان با حضرت سلیمان نبوده که (تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانَوْا يَعْلَمُوْنَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوْا فِي الْعَذَابِ الْمُهِیْنِ) - که در سوره‌ی [سبأ است] - نشان دهنده این است که اینها تحت فرمان بودند، اینها مجبور بودند، حضرت تسخیر کرده بود اینها را، اما دلشان با حضرت نبوده. حالا اینجا [که می‌فرماید] (قَالَ عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنِّ اَنَا اَتِیْکَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ تَقُوْمَ مِنْ مَّقَامِکَ)، شیخ مصطفی اسماعیل چه کار می‌کند؟ اوّل همین را می‌خواند: (قَالَ عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنِّ اَنَا اَتِیْکَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ تَقُوْمَ مِنْ مَّقَامِکَ)؛ [بعد] «اَنَا اَتِیْکَ بِهٖ» را با قرائت وَرَش [می‌خواند]؛ یعنی تکرار مطلب به صورت قرائت وَرَش؛ چرا؟ به این سبب که قرائت وَرَش در اینجا کبر و غرور این عفريت را بیشتر نمایان می‌سازد، این [نحوه‌ی خواندن] خودش را دارد نشان می‌دهد؛ به همین جهت

تکرار می‌کند. با توجه به علم و تسلط مصطفی اسماعیل، وی تعمداً و برای حماسی تر کردن ادعا از مقام رست بهره می‌جوید؛ یعنی نمی‌گذارد آیه تمام بشود، بعد شروع کند؛ همان‌جا بعد از «أنا آتیک» که قرائت معروف حفص از عاصم است، قرائت ورش را تکرار می‌کند برای اینکه نشان بدهد دارد از خودش تعریف می‌کند.

در آیه شریفه «قال عَفِیْتُ مِنَ الْجَنِّ أَنَا آتِیکَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِکَ...» و متعاقب آن، پاسخ «الذی عنده علمٌ من الکتاب»، شیخ مصطفی اسماعیل با بهره‌گیری از تنوع مقامات صوتی، به‌ویژه مقام رست، و استفاده از قرائت ورش، تقابلی هنری و معنایی میان دو شخصیت آیه ایجاد می‌کند. در تلاوت وی، عبارت «أنا آتیک به» ابتدا در مقام پایه و قرائت حفص خوانده می‌شود و سپس با ورود به قرائت ورش و ارتقاء پرده صوتی به مقام رست، نوعی برجسته‌سازی عاطفی و صوتی در بیان غرور عفریت پدید می‌آید. این لحن، بیانگر ادعای متکبرانه و اعتماد به نفس بی‌پایه‌ی عفریت است. در ادامه، پاسخ «الذی عنده علمٌ من الکتاب» با لحنی آرام‌تر و فروتنانه‌تر خوانده می‌شود که نشان از یقین، علم واقعی و خلوص دارد. هر دو عبارت با مد لازم اجرا می‌شوند، اما تفاوت در پرده و لحن باعث انتقال دو معنا و احساس متفاوت می‌گردد.

این تکنیک صوتی و معنایی، مشابه شیوه‌هایی است که قاریان در دیگر گفت‌وگوهای قرآنی، نظیر مناظره‌ی ابراهیم و نمرود، گفت‌وگوی موسی و فرعون، و نیز گفت‌وگوی خداوند با ابلیس، به کار گرفته‌اند؛ جایی که با تنوع مقامات و تغییر درجات صوتی، قدرت، خشوع یا استکبار شخصیت‌ها بازنمایی می‌شود. در واقع، مهندسی تلاوت در این‌گونه موارد، نه فقط در خدمت زیبایی شناسی صوتی، بلکه در خدمت تعمیق معنای دلالتی و شخصیت‌پردازی قرآنی قرار می‌گیرد.

۷. تنوع در پرده‌ها و نقش تکرار در ترسیخ معنا

در آیه شریفه «وَأَرْوَدْنَاهُ آلَیَّ هُوَ فِی بَیْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَیْ لَکَ...» (یوسف/۲۳)، قاری برجسته با بهره‌گیری از تکرار مکرر عبارت «قالت هیت لک» با تلفظ‌های گوناگون مانند «هَیْتُ لَکَ» و «هَیْتُ لَکَ»، نه تنها بر تفاوت قرائات تأکید می‌کند، بلکه از این ابزار صوتی برای ترسیخ معنا و القای موقعیت حساس و بحرانی آیه در ذهن مخاطب استفاده می‌نماید. این تکرارها که به‌طور متوالی و بدون توقف اجرا می‌شوند، نوعی تأکید روان‌شناختی و حسی بر فضای دراماتیک آیه ایجاد می‌کنند؛ گویی قاری با افزایش فشار صوتی و تغییر مقام، در حال بازسازی صحنه‌ای پر از وسوسه، اضطراب و مقاومت است. استفاده از

مقامات متنوع در هر تکرار (مانند نهایند یا صبا) به برجسته سازی عاطفی کمک کرده و حس التماس گونه‌ی زن در برابر پاکدامنی یوسف را تقویت می نماید. نکته قابل توجه آن است که این گونه استفاده از تکرار در تلاوت، برخلاف شیوه رایج نزد بسیاری از قاریان عرب، به صورت پشت سرهم و بدون فاصله صورت می گیرد؛ و این خود نشان دهنده رویکرد مهندسی شده ی قاری برای القای معنا، نه صرفاً اجرای زیبای صوتی است. در چنین ساختاری، تکرار نه تضعیف کننده، بلکه تأکیدگر و معناآفرین است و به روشنی نشان می دهد که در مهندسی تلاوت، فرم و محتوا در پیوندی پویا به خدمت معنا درمی آیند.

در آیه شریفه ﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ﴾ (صافات/ ۱۳۰)، شاهد اختلاف قرائت میان قاریان هستیم. اکثریت قراء، از جمله حفص از عاصم، این آیه را «إِلِ يَاسِينَ» قرائت کرده اند؛ اما قرائت ورش از نافع، آن را به صورت «آلِ يَاسِينَ» نقل کرده است؛ قرائتی که در میان شیعیان و برخی متون تفسیری، مورد توجه خاص قرار گرفته است. اهمیت قرائت «آلِ يَاسِينَ» نه تنها از منظر زبانی، بلکه از نظر اعتقادی و تاریخی نیز قابل تأمل است. در زیارت مشهور «آلِ يَاسِينَ» که از ناحیه مقدسه و به نقل از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادر شده، این قرائت مورد تأکید قرار گرفته است. در ابتدای این زیارت آمده است:

«السَّلامُ عَلَیْکَ یا دَاعِیَ اللَّهِ وَرَبَّانِی آیَاتِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَابَ اللَّهِ وَدِیَانَ دِینِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلِیفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللَّهِ وَآیَةَ عِلْمِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا طَرِیقَ اللَّهِ وَهَادِیَ أَمْرِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَقِیَّةَ اللَّهِ وَآلَ یَاسِینَ...»
در این فراز نورانی، امام زمان (عج) خود را از «آلِ يَاسِينَ» معرفی می فرماید که به روشنی مؤید قرائت «آلِ يَاسِينَ» به جای «إِلِ يَاسِین» است. این امر نشان می دهد که قرائت ورش، نه تنها در بعد صوتی و تلاوتی اهمیت دارد، بلکه می تواند حامل پیامی اعتقادی و معنایی عمیق نیز باشد؛ به ویژه در تأکید بر پیوند پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام.

از منظر مهندسی تلاوت نیز تکرار این دو قرائت («سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ»، «سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِین») در تلاوت برخی قراء، علاوه بر ایجاد طنین صوتی متنوع، نوعی تأکید معنایی و ترسیخ در ذهن مخاطب ایجاد می کند؛ گویی قاری درصدد است مخاطب را متوجه این اختلاف معناگرایانه کند و با تکرار، پیوند تاریخی و اعتقادی آن را برجسته سازد. به عنوان مثال در آیه شریفه ﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾ (نازعات/ ۲۴) حمزه، کسایی و خلف کلمه اعلی را اماله داده اند تا به نوعی با شکستن اعلی، خواستند فرعون را تحقیر و تمسخر کنند به عبارتی این قصد که

خداوند نقل قول می کند و همزمان نقل او را به تمسخر می گیرد و برای القای این معنا، قرائتی نزدیکتر است که همراه با اماله باشد و این باعث می شود معنای مورد نظر، بدون استفاده از هیچ گونه تغییری در حرف و نقطه و جمله و واژگان ترکیبی در وجود انسان نهادینه شود؛ لذا به این نتیجه می رسیم که فرعون یک اعلای مضحک بوده است نه یک اعلای واقعی و حقیقی، مثل یک برجی که بنا شده ولی پایه های آن شکسته است.

شاید در نگاه اول خواننده یا پژوهشگر قرآنی چنین تصور کند که اختلاف قرائت صرفاً برای ایجاد تنوع در تلاوت و ایجاد جذابیت در مخاطب برای استماع بهتر است لکن غور در ویژگی های موجود در قرائت قاریان برجسته جهان اسلام، مثلاً استفاده شیخ مصطفی اسماعیل از اماله کبری، چنین به نظر می رسد که تاکید قاری برای استفاده از حرکت کسره، گویی مصادف است با شکستن شخصیت و ابهت پوشالی فرعون که بر اساس مهندسی تلاوت انجام می پذیرد.

در آیه شریفه ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ... وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾ (توبه/ ۴۰)، ساختار نحوی و بلاغی آیه بیانگر تقابل معنایی شدید میان «کلمه ی کفار» و «کلمه ی خداوند» است. واژه «السُّفْلَى» در این جا، تنها به معنای پایین تر یا فروتر نیست، بلکه از نظر بلاغی، حاوی عنصر تحقیر و تضعیف جایگاه فکری و گفتمانی مخالفان توحید است. این تضعیف با واژه ای دارای بار شدید منفی بیان شده تا نشان دهد که سخن، اندیشه و نظام ارزشی کافران، از نظر اعتبار، اثرگذاری و بقاء، به پایین ترین سطح ممکن سقوط کرده است. در مقابل، «كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» با حصر و تأکید همراه است؛ از طریق ضمیر فصل «هی»، برتری مطلق کلمه ی الهی را تثبیت می کند. از منظر بلاغی، این تقابل یک ساختار تشدید می سازد که هدف آن نه فقط بیان تفاوت، بلکه القای قدرت معنوی و اخلاقی کلام الهی در برابر ضعف و زبونی باطل است.

نکته ای لطیف در شیوه تلاوت برخی قاریان برجسته به چشم می خورد که از منظر مهندسی تلاوت قابل تأمل است. در تلاوت برخی قاریان بزرگ جهان اسلام، این معنای تقابلی به صورت شنیداری نیز تقویت می شود این نوع اجرای آوایی، به روشنی نقش مهندسی تلاوت را در انتقال بار معنایی آیه نشان می دهد؛ یعنی قاری نه فقط ناقل لفظ، بلکه آفریننده فضای معناست. قاریان در هنگام تلاوت واژه (السُّفْلَى)، گاه با استفاده از اماله جزئی یا تحریف صوتی خفیف به سمت کسره، نوعی تحقیر و تقلیل شأن این کلمه را القا تا سقوط معنایی آن را بازنمایی کنند. این تکنیک آوایی در واقع نوعی زبان غیرمستقیم قرائتی است که با تغییر

در کیفیت صوت، پیام آیه را تقویت می‌کند. در مقابل، واژه (الْعَلِیَا) بدون اماله و با صلابت کامل و گاه در درجه صوتی بالاتر تلاوت می‌شود تا شأن آن را ارتقا بخشد و به صورت شنیداری، برتری کلمه خداوند بر کلمه کفار را به مخاطب القا کند. این شیوه، نوعی رمزگذاری صوتی و دلالتی است که در قالب مهندسی تلاوت، بار بلاغی آیه را دوچندان کرده و تقابل معنایی میان (السفلی) و (العلیا) را از سطح متن به سطح صوت و روان مخاطب انتقال می‌دهد. در چنین نمونه‌هایی، قاری تنها ناقل آیه نیست، بلکه فاعل معنا است که از ابزار قرائت برای ترسیخ، تمسخر یا تجلیل در ذهن شنونده بهره می‌گیرد.

در آیه شریفه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/ ۵۹)، قاریان در برخی قرائات با اجرای تقلیل آوایی در واژه «عِيسَى»، به نحوی ظریف و هدفمند، معنایی عمیق‌تر از مفهوم آیه را القا می‌نمایند. در این تلاوت‌ها، واژه «عِيسَى» با صوتی سبک‌تر و لحنی آرام‌تر ادا می‌شود؛ در حالی که واژه «آدَم» در همان جمله، با تلفظی کامل‌تر و در برخی موارد با تأکید صوتی بیشتر همراه است. این تقلیل صوتی در نام عیسی (ع) را می‌توان نوعی تسهیل امر خلقت از سوی خداوند دانست؛ گویی قاری می‌کوشد به واسطه‌ی تقلیل آوایی، سهل‌بودن خلق عیسی همانند آدم را به صورت شنیداری و بلاغی به مخاطب منتقل کند. بر اساس محتوای آیه، خلقت عیسی از مادر بدون پدر، نباید در نظر مخاطب دشوار جلوه کند؛ همان‌گونه که خلقت آدم از خاک و بدون پدر و مادر برای خداوند آسان بوده است. تفاوت آوایی در قرائت این دو اسم، به‌ویژه در اجرای تلاوت‌های تأثیرگذار، نه تنها نشانه‌ای از ظرافت هنری قاریان است، بلکه ابزاری در راستای مهندسی تلاوت محسوب می‌شود که وظیفه‌ی تفهیم و تثبیت پیام الهی را از راه صوت و لحن به عهده دارد. این امر، نمونه‌ای از پیوند میان دلالت معنایی و فنون اجرایی در اختلاف قرائت است.

در این بخش، اختلاف قرائاتی که منجر به تفاوت معنایی می‌شوند، با استناد به آرای مفسران برجسته بررسی شده‌اند. از جمله، در آیه «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ» از سوره کهف (آیه ۴۴)، واژه «الْوَلَايَةُ» دارای دو قرائت مشهور است: یکی با فتح واو به معنای «نصرت و دوستی» و دیگری با کسر واو به معنای «سلطنت و حاکمیت». این اختلاف در قرائت، موجب تنوع معنایی در تفسیر آیه شده است. اما نکته مهم‌تر آن است که ساختار نحوی آیه، گرچه در ظاهر به صورت جمله خبری آمده، ولی در معنا حاوی تضمین نحوی (التضمین النحوی) و بار معنایی انشائی است. به تعبیر دقیق‌تر، عبارت (الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ) تنها اطلاع‌رسانی درباره

حاکمیت الهی نیست، بلکه اعلامی مؤکد و هشدارآمیز نسبت به بطلان هرگونه سلطه بشری در آن موقف است. مفسرانی چون طبرسی و علامه طباطبایی با تأکید بر همین نکته، این جمله را ناظر به حقیقت روز قیامت دانسته‌اند؛ جایی که نصرت، عزت و سلطه مطلق، تنها از آن خداوند است. (طوسی، بی‌تا: ۵۱/۷) همچنین در ادامه آیه، واژه (عُقْباً) نیز دارای دو قرائت است: یکی با ضم قاف (عُقْباً) و دیگری با سکون آن (عُقْباً) که هر دو به معنای «عاقبت و سرانجام» هستند. این اختلاف قرائت نیز با بار نحوی «تمییز» نقش معنایی مهمی در برجسته‌سازی ارزش عاقبت الهی در برابر عاقبت دنیوی دارد. بنابراین، در این‌گونه آیات، اختلاف قرائت نه تنها باعث غنای لفظی می‌شود، بلکه با تضمین نحوی، معانی پیچیده‌تری از نصرت، حاکمیت، سرانجام و بازگشت به سوی حق را در بافت روز قیامت ترسیم می‌نماید.

در آیه «وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالُ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً..»، از سوره کهف (آیه / ۴۷)، دو قرائت معتبر نقل شده است: قرائت مشهور (نُسَيِّرُ) (ما کوه‌ها را به حرکت درمی‌آوریم) و قرائت دیگر از ابن کثیر، ابو عمرو و ابن عامر به صورت (تُسَيِّرُ) (تو کوه‌ها را به حرکت درمی‌آوری یا کوه‌ها به حرکت درمی‌آیند). این تفاوت، تأثیرمعنایی مهم در بافت آیه به جای می‌گذارد. قرائت (نُسَيِّرُ) با صیغه اول شخص جمع، نشان‌دهنده مباشرت و فاعلیت مستقیم خداوند در برپایی قیامت است و از منظر بلاغی، دارای تضمین معنوی (تضمین المعنی) است؛ بدین معنا که جمله در ظاهر خبری است، اما در باطن، نوعی انذار، تهدید، و تأکید بر وقوع قطعی آن رخداد عظیم دارد. این ساختار نحوی، ضمن القای عظمت صحنه قیامت، شنونده را از لحاظ روانی در معرض نوعی هشدار و ترس وجودی قرار می‌دهد. در مقابل، قرائت «تُسَيِّرُ» با صیغه مجهول یا مخاطب مفرد، حالت گزارشی‌تری دارد و سطح درگیری ذهنی مخاطب با صحنه را تا حدی کاهش می‌دهد. بنابراین، انتخاب قرائت «نُسَيِّرُ» توسط جمهور قاریان، نوعی مهندسی معنایی و بلاغی در راستای تقویت حس حضور و قدرت الهی در واقعه قیامت تلقی می‌شود. (طبرسی، ۱۴۶۰: ۷۳۳/۶) این نکته نشان می‌دهد که اختلاف قرائت، نه تنها در معنا و دلالت، بلکه در فضا‌سازی روانی - بیانی آیات نیز نقش مهمی ایفا می‌کند و مخاطب را با کیفیتی متفاوت از تجربه معنوی قرآن روبه‌رو می‌سازد.

در آیه شریفه «مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصَداً» (کهف/ ۵۱)، با ساختاری روبه‌رو هستیم که در ظاهر، خبری است، اما از نظر نحوی و بلاغی، واجد تضمین المعنی

است. عبارت «مَا كُنْتُ مُتَّخِذًا» در این جا صرفاً بیان یک خبر از گذشته نیست، بلکه بیانی قاطع در نفی هرگونه همکاری، استمداد یا اتکای الهی بر گمراه‌کنندگان است. این کاربرد، از نظر نحوی نوعی انشاء در قالب خبر محسوب می‌شود و هدف آن، تأکید بر استغنائی مطلق خداوند از یاری خواهان باطل است. قرائت مشهور، صیغه اول شخص مفرد «مَا كُنْتُ» را به کار برده که فاعل آن خداوند متعال است و بر تنزیه الهی از نسبت دادن تدبیر و قدرت به غیر ذات اقدس او دلالت دارد. اما قرائت ابوجعفر به صورت «مَا كُنْتُ مُتَّخِذًا...» که در آن خطاب به پیامبر است، لایه دیگری از معنا را برجسته می‌سازد. در این قرائت، تأکید بر پاکی رسول خدا از هرگونه هم‌راستایی یا یاری جویی از مفسدان است، و در واقع بر تبعیت کامل پیامبر از اراده الهی تأکید می‌کند. در هر دو قرائت، نوعی «تضمین معنایی» مشهود است: خداوند یا پیامبر را از مشارکت با گمراهان به شدت مبرا می‌سازد، اما این نفی، تنها در حد انکار نیست، بلکه بیانگر اصول توحیدی در هدایت، تدبیر و ربوبیت است؛ اصولی که قرآن همواره بر آن تأکید دارد. مفسرانی چون طبرسی و فخر رازی نیز به همین نکته اشاره دارند که لحن این آیه فراگیر، تهدیدآمیز و آموزنده برای انسان است.

۸. تکثیر معنایی

در آیه شریفه «وَهَزَى إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا» (مریم/ ۲۵)، فعل «تُسَاقِطُ» در ساختار نحوی، مضارع مجزوم است که در ظاهر به صورت مفرد آمده، اما از منظر بلاغی، واجد ویژگی تکثیر معنا است. به عبارت دیگر، این فعل مفرد، در بافت آیه معنایی جمعی و تکرارشونده دارد که بیانگر سقوط مکرر و پی‌درپی خرماها بر حضرت مریم (س) در آن لحظه دشوار است. این ویژگی بلاغی، به‌ویژه در ترکیب با فضای تصویری آیه، حالت حرکتی زنده و روان را به مخاطب منتقل می‌کند؛ گویی شنونده صدای افتادن خرماها را یکی پس از دیگری می‌شنود. این حالت، با فعل «تُسَاقِطُ» بهتر از فعل جمعی جایگزین، القا می‌شود، زیرا جمع بودن معنایی آن از طریق تناوب و تداوم فعل در ذهن شنونده ایجاد می‌شود، نه صرفاً از طریق ساختار صیغه. چنین نمونه‌ای، تجلی بارز تکثیر معنایی از طریق فعل مفرد در قرآن کریم است. در بسیاری از تلاوت‌ها نیز، قاریان با کشش خاص در تلاوت «تُسَاقِطُ»، این تداوم و کثرت را به صورت شنیداری القا می‌کنند. این تکنیک در مهندسی تلاوت، نوعی هماهنگی میان لحن و محتواس‌ت که نقش مهمی در انتقال حس آرامش، لطف الهی و پاسخ بی‌درنگ به دعا در لحظه نیاز را ایفا می‌کند.

۹. شدت معنایی

در آیه شریفه «يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ» (ق/۴۴)، ساختار زبانی فعل «تَشَقَّقُ» از نظر نحوی و بلاغی حائز اهمیت ویژه‌ای است. این فعل که از باب تفعّل است، افزون بر معنای اصلی شکافته شدن، شدت در وقوع و تدریج در پدیداری را نیز در خود دارد. به عبارت دیگر، تکرار و تشدید حرف قاف در این ساختار، حاکی از فشار درونی زمین، تراکم رخداد، و لحظه انفجار پنهان حیات قیامت گونه‌ای است که با شکافتن زمین آغاز می‌شود. در کنار این، قید «سِرَاعًا» که به شتاب و سرعت خارج شدن مردگان از دل زمین اشاره دارد، شدت معنایی فعل را تقویت می‌کند. از نظر بلاغی، این ترکیب، صحنه‌ای بسیار پرتنش و تکان دهنده را در ذهن مخاطب ترسیم می‌کند؛ زمینی که به ناگاه و با فشاری عظیم می‌شکافد، و انسان‌ها با سرعت غیرقابل تصور از آن بیرون رانده می‌شوند. این تصویر نه تنها نشانه قدرت مطلقه خداوند در حیات پس از مرگ است، بلکه یادآور بی‌پناهی انسان در برابر اراده الهی نیز هست. برخی قاریان، در تلاوت این آیه، با تشدید حرف شین در اجرای «تَشَقَّقُ» و تأکید لحنی بر «سِرَاعًا»، این شدت معنا را به وضوح در بافت صوتی برجسته می‌کنند. این تطابق میان لحن و مفهوم، از نمونه‌های بارز مهندسی صوتی در خدمت معنا است که در اختلاف‌های ادایی قاریان نیز دیده می‌شود.

در آیه «تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ» (مطففین/۲۴)، ساختار جمله حاوی نکته‌ای لطیف و بلاغی در مورد تعظیم شأن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. فعل «تَعْرِفُ» در ظاهر به معنای شناختن است، اما در این جا، کاربرد آن در سیاق مشاهده و درک باطنی، دلالتی عمیق‌تر دارد. خداوند متعال در مقام وصف اهل بهشت، نمی‌گوید که خود آنها نضرت نعیم را دارند، بلکه می‌فرماید: «تو، ای پیامبر، آن را در چهره‌هایشان بازمی‌شناسی». این تعبیر، علاوه بر تأکید بر روشنی آثار نعمت در چهره بهشتیان، بیانگر قدرت روحانی، مقام شهودی و لطافت معرفتی پیامبر اسلام است. از نظر بلاغی، چنین کاربردی، نوعی «تعظیم المخاطب» به شمار می‌رود که در آن خداوند، پیامبر را محور درک و شناخت حقیقت در آخرت قرار می‌دهد. این نوع خطاب، نه تنها گواهی بر جایگاه ویژه پیامبر در میان اهل بهشت است، بلکه دلالتی لطیف بر تقرب او به مقام شفاعت و شهادت بر بندگان نیز دارد. برخی مفسران، از جمله زمخشری و طبرسی، در تفسیر این آیه تصریح کرده‌اند که شناخت آثار نعمت به گونه‌ای شهودی و از چهره‌ها، تنها در پرتو صفای درون و قرب الهی حاصل می‌شود؛ و نسبت دادن این

شناخت به پیامبر، نهایت تکریم الهی نسبت به او در بیان قرآن است در آیه شریفه «قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ» (انبیاء/ ۱۱۲)، گفتار پیامبر اسلام ﷺ به گونه‌ای آمده که در ظاهر، دعایی از سوی بنده به پیشگاه پروردگار است؛ اما از نظر ساختار بلاغی و محتوای مفهومی، نشان‌دهنده نهایت تقرب، صدق، و عظمت مقام پیامبر در پیشگاه الهی است. استفاده از تعبیر «قال رب» به جای «قال یا رب» یا سایر صیغه‌های دعایی، خود حاکی از ارتباط مستقیم، بی‌واسطه و محجوب از پرده‌های رسمی میان پیامبر و پروردگار است؛ امری که از نشانه‌های تعظیم مقام پیامبر در بیان قرآن به شمار می‌رود. این عبارت که در مقام درخواست اقامه حق و عدالت بیان شده، در کنار آیات دیگری نظیر (و قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ) (مؤمنون/ ۱۱۲) نیز چنین شأنی دارد. در هر دو آیه، سخن پیامبر به گونه‌ای آمده که وی را نه تنها گوینده حقیقت، بلکه طلب‌کننده قاطع عدالت الهی معرفی می‌کند؛ شخصیتی که در روز حساب نیز، از سوی خداوند برای شهادت بر امت‌ها برگزیده شده است.

چنان‌که در آیه «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء/ ۴۱) به صراحت بر شاهد بودن پیامبر ﷺ بر همه امت‌ها تأکید شده است. در این آیه، قرائت مشهور (حفص از عاصم) غالب است و بدون اختلاف لفظی عمده (مانند تغییر در حروف یا اعراب) نقل می‌شود، اما در روایات شاذ مانند ورش از نافع، شاخصه آوایی در «هَؤُلَاءِ» (با اماله جزئی یا تأکید بر همزه برای جداسازی مخاطب) مشاهده می‌شود که دلالت بر تمایز امت‌های کافر از امت پیامبر ﷺ را تقویت می‌کند. قاریان برجسته مانند مصطفی اسماعیل و عبدالباسط، در تلاوت این آیه، از شاخصه‌های صوتی مانند غنّه بر «بَاكُ» (با مد لازم در مقام رست) و توقف کوتاه بر «شَهِيدًا» (با تشدید برای القای عظمت) بهره می‌برند. این تکنیک‌ها، بدون خروج از قرائت مشهور، مهندسی تلاوتی ایجاد می‌کنند که نقش شاهد بودن پیامبر را از منظر زبان‌شناسی اجتماعی (هم‌نشینی «شَهِيدًا» با «هَؤُلَاءِ» در بافت قیامت) برجسته کرده و معنا را از شهادت ساده به «شهادت تعظیم‌آمیز و حاکمانه» گسترش می‌دهد.

از رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی، این شاخصه‌ها (مانند تغییر لحن از آرام به حماسی در «جِئْنَا بِكَ»، نقش زیرگروه‌های اجتماعی (امت‌ها در برابر امت پیامبر) را در تولید معنای تازه برجسته می‌سازد. قاری با این مهندسی، نه تنها تقابل اجتماعی (کافران در برابر شاهد الهی) را القا می‌کند، بلکه تجربه شنیداری مخاطب را به لایه‌ای عمیق‌تر از تقرب نبوی می‌برد؛ جایی که «شَهِيدًا» نه فقط

گواهی، بلکه نماد حاکمیت معنوی پیامبر بر تاریخ امت‌ها می‌شود. این امر، با یافته‌های پژوهش‌هایی چون نلسون (۱۹۸۵) در تحلیل صوتی تلاوت هم‌خوانی دارد، که تأکید می‌کند چنین شاخصه‌هایی، دلالت آیات را در بافت اجتماعی قیامت تعمیق می‌بخشد. در نتیجه، حتی بدون اختلاف لفظی عمده، تنوع قرائتی در تلاوت، ظرفیت معناشناختی آیه را افزایش داده و به «تکثیر دلالتی» از طریق صوت کمک می‌کند. از منظر بلاغی، این مجموعه از آیات نه تنها نشان‌دهنده نقش نبوی در تاریخ نجات و عدالت است، بلکه بر تکریم منزلت پیامبر به عنوان واسطه میان خلق و حق در مقام قضاوت و شهادت نیز تأکید می‌ورزد.

نتیجه

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پدیده اختلاف قرائت در قرآن کریم، صرفاً امری صوتی یا محصول تحولات تاریخی نیست، بلکه در پرتو رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی می‌توان آن را به مثابه یکی از ظرفیت‌های پویا و مؤثر در تولید و گسترش معنای قرآنی تحلیل کرد. بررسی نمونه‌های متعددی از تلاوت قاریان برجسته جهان اسلام، حاکی از آن است که بهره‌گیری آگاهانه از قرائات مختلف - اعم از مشهور و شاذ - در بسیاری از موارد باهدف تعمیق اثرگذاری معنایی و ارتقای بلاغت شنیداری آیات صورت می‌پذیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تنوع قرائات، با ایجاد تفاوت‌های آوایی، نحوی و معنایی، بستر مناسبی برای بازتولید معنا در بافت‌های متنوع زبانی و اجتماعی فراهم می‌آورد. از منظر زبان‌شناسی اجتماعی، این فرایند را می‌توان ذیل مفاهیمی چون همنشینی معنایی، نقش بافت زبانی و موقعیتی، و کارکردهای ارتباطی تلاوت تحلیل نمود؛ به گونه‌ای که قاری، نه تنها انتقال‌دهنده پیام الهی، بلکه کنشگر معنا در متن زنده قرآن تلقی می‌گردد. براین اساس، اختلاف قرائت را نباید به عنوان عامل اختلال در معنا یا تهدیدی برای یکپارچگی نص مقدس تلقی کرد؛ بلکه می‌توان آن را زمینه‌ساز لایه‌لایه شدن معنا و گشودگی بیشتر متن قرآن به روی مخاطب دانست. ازاین‌رو، شناخت علمی و بین‌رشته‌ای این پدیده، به‌ویژه با تلفیق دانش‌های قرائت، تفسیر، زبان‌شناسی و معناشناسی، می‌تواند افق‌های نوینی را در فهم، تلاوت و تعلیم قرآن کریم بگشاید.

منابع

- قرآن کریم.
- آلاتو، آنتونی. (۱۹۸۱). «درآمدی بر زبان شناسی تاریخی» (ترجمه: یحیی مدرس). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- أبو زهرة، محمد. (۱۹۸۰). «القرآن و علومه». قاهره: دارالفکر.
- ابن الجزری، محمد. (۱۳۹۱). «النشر فی قرائات العشر». قم: انتشارات مؤسسه بلاغ مبین.
- امیری، رسول، و خسروی، بهروز. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر اختلاف قرائات بر توسعه معنایی آیات. پژوهش های قرآنی.
- بیچرانلو، مجید، و همکاران. (۱۳۹۶). بازنمایی زن در سریال شهرزاد از منظر زبان شناسی اجتماعی. زن در فرهنگ و هنر.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۳۷۳). «تفسیر نور الثقلین». قم: اسماعیلیان.
- زینلی بهزادان، سارا، و همکاران. (۱۴۰۰). «معناشناسی مثنائی در قرآن با رویکرد زبان شناسی اجتماعی». مطالعات قرآن و حدیث.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۸ق). «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل». ریاض: مکتبة العیبهکان.
- سجادی، اکرم، و قاسمی، سید حسین. (۱۴۰۰). تحلیل اماله در مهندسی تلاوت قاریان. مطالعات قرآنی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۳۶۳). «الاتقان فی علوم القرآن». تهران: انتشارات رضی بیدار.
- صدر، حسن. (۱۳۷۵). «تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام». قم: انتشارات اعلمی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). «المیزان فی تفسیر القرآن». چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۰۲ق). «مکارم الاخلاق». قم: انتشارات شریف رضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ق). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). «التبیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عمر، احمد مختار. (۱۴۱۲ق). «معجم القراءات القرآنیة». تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.
- فضلی، عبدالهادی. (۱۴۲۸ق). «خلاصة الحکمة الإلهیة». قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۱). «التمهید فی علوم القرآن» (ترجمه: ابومحمد وکیلی). قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۶). «علوم قرآنی». قم: مؤسسه انتشارات التمهید.
- مدرس، محمدعلی. (۱۳۹۵). «ریحانة الأدب». قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). «آشنایی با قرآن». تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی بلده، سید محسن. (۱۳۷۱). «حلیة القرآن». قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- پیرمرادی، جلیل. (۱۳۹۸). کارکرد اختلاف قرائات در تفسیر المیزان. پژوهشنامه تفسیر.

References

The Holy Quran

- Umar, Ahmad Mukhtar. (1991). A Lexical Compendium of Qur'anic Readings. Organization of Endowments and Charitable Affairs, Aswa Publications.
- Abu Zahra, Muhammad. (1980). Studies on the Qur'an and Its Related Sciences. Dar al-Fikr.
- Amiri, Rasoul, & Khosravi, Behrouz. (2018). Semantic Expansion of Qur'anic Verses through Variant Readings: An Analytical Study. Quranic Studies.
- Arlatu, Anthony. (1981). Foundations of Historical Linguistics (Trans. Yahya Modarresi). Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Badawi, A. R. (1992). Socio-Contextual Dimensions of Qur'anic Discourse. Al-Lisaniyyat Journal.
- Bichranloo, Majid, et al. (2017). A Sociolinguistic Analysis of Female Representation in the Shahrzad Television Series. Women in Culture and Art.
- Croft, W., & Cruse, D. A. (2004). An Overview of Cognitive Linguistic Theory. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511803864>
- Fazli, Abd al-Hadi. (2007). A Concise Treatise on Divine Wisdom. Foundation of the Islamic Jurisprudence Encyclopedia.
- Fishman, J. A. (1972). Language in Society: A Sociological Perspective. Newbury House.
- Hawizi, Abdul Ali bin Juma. (1994). Nur al-Thaqalayn: A Tradition-Based Qur'anic Commentary. Ismailian Publications.
- Ibn al-Jazari, Muhammad. (2012). Transmission and Analysis of the Ten Canonical Qur'anic Readings. Mobin Balagh Institute.
- Izutsu, Toshihiko. (1984). Key Moral and Religious Concepts in the Qur'an. McGill University Press.
- Kermani, Navid. (2007). Aesthetic Dimensions of the Qur'anic Experience. Polity Press.
- Labov, William. (1994). Internal Mechanisms of Linguistic Change. Blackwell.
- Ma'rifat, Muhammad Hadi. (1992). An Introduction to the Sciences of the Qur'an (Trans. Abu Muhammad Wakili). Islamic Propaganda Organization Press.
- Ma'rifat, Muhammad Hadi. (2007). Foundational Topics in Qur'anic Studies. Al-Tamhid Publishing Institute.
- Mousavi Baladeh, Seyyed Mohsen. (1992). Principles and Methods of Qur'anic Recitation. Islamic Propaganda Organization Press.
- Mudarris, Muhammad Ali. (2016). Rihanat al-Adab: A Biographical-Literary Encyclopedia. Imam Sadiq Institute (AS).
- Mutahhari, Morteza. (2006). Conceptual Reflections on the Qur'an. Sadra Publications.
- Nelson, Kristina. (1985). Ritual and Aesthetics in Qur'anic Recitation. University of Texas Press.
- Pirmoradi, Jalil. (2019). The Interpretive Function of Variant Readings in Al-Mizan Commentary. Interpretation Research Journal.
- Sadr, Hassan. (1996). The Formation of Shi'i Scholarship in Islamic Sciences. Alami Publications.
- Sajjadi, Akram, & Qasemi, Seyyed Hossein. (2021). Imalah Patterns in the Technical Structure of Qur'anic Recitation. Quranic Studies.
- Shalaby, A. al-F. (2002). Foundations of the Art of Qur'anic Recitation. Cairo.
- Shihata, M. (2013). Phonetic Meaning in the Recitations of Prominent Qur'an Readers. Journal of Qur'anic Studies.
- Suyuti, Jalal al-Din. (1984). Comprehensive Studies in the Sciences of the Qur'an.

- Razi Bidar Publications.
- Tabarsi, Hasan bin Fadl. (1981). Ethical Teachings in Islamic Tradition. Sharif Razi Publications.
- Tabarsi, Fadl bin Hasan. (1930). A Comprehensive Exegesis of the Qur'an (Majma' al-Bayan). Dar al-Ma'rifah.
- Trudgill, Peter. (2000). Language and Society: Core Issues in Sociolinguistics (4th ed.). Penguin Books
- Tusi, Muhammad bin Hasan. (n.d.). Al-Tibyan: An Early Qur'anic Commentary. Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- Wardhaugh, Ronald, & Fuller, Janet M. (2021). Key Concepts in Modern Sociolinguistics (8th ed.). Wiley-Blackwell.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (1997). Rhetorical and Semantic Subtleties in Qur'anic Interpretation (Al-Kashshaf). Maktabat al-'Ubaykan.
- Zineli Behzadan, Sara, et al. (2021). A Sociolinguistic Reading of Repetitive Structures in the Qur'an. Quranic and Hadith Studies.

